

تداخل زبانی آذری در فارسی

محرم اسلامی^۱ (دانشیار دانشگاه زنجان)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۹/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰، تاریخ انتشار: ۱۴۰۱

چکیده: در این پژوهش تداخل زبانی زبان آذری در زبان فارسی را مورد بررسی قرار داده‌ایم. داده‌های تحقیق، با توجه به شرحی درباره آن در متن مقاله، نشان می‌دهد که در همه سطح‌های زبانی تداخل زبانی صورت می‌گیرد و میزان تداخل زبانی با میزان دانش زبانی گویشوران در زبان هدف ارتباط عکس دارد. بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که زمینه‌های تداخل زبانی بسیار گونه‌گون است که ما در این نوشته از کل داده‌ها، فقط ۲۰۰ جمله و عبارت را در قالب هشت طبقه بسیار رایج بررسی و معرفی کرده‌ایم. این هشت طبقه تداخل زبانی عبارت‌اند از: در حرف اضافه از نوع حذف یا استفاده نابجا از حرف اضافه، در فعل از نوع ترجمه فعل آذری و ترجمه فعل‌های اصطلاحی و تداخل معنایی چند به یک در فعل در کنار معرفی چند فعل پربسامد دخیل در موضوع، در ترجمه لفظ به لفظ جمله آذری، در وجود لفظ مشترک با معنای متفاوت در دو زبان، در واژه‌سازی با الگوی زبان مادری، در برگردان اصطلاح‌ها، تداخل زبانی ویژه و نیز تداخل در حضور نظام تصریف و قواعد نحوی زبان اول را معرفی کرده‌ایم و برای هرکدام از این طبقه‌ها نمونه‌هایی را از داده‌های تحقیق آورده‌ایم. با توجه به نتایج این پژوهش به والدین آذری‌زبان که فاقد دانش زبانی کافی در فارسی هستند، پیشنهاد می‌کنیم با فرزندان خود به زبان مادری سخن بگویند که در غیر این صورت فرزندان آنها از امتیاز داشتن زبان مادری محروم می‌شوند و از سوی دیگر زبانی را از والدین خود می‌آموزند که در اصل فارسی نیست. والدین اجازه دهند فرزندان آنها زبان فارسی را از منابع مطمئن‌تر بیاموزند که در نتیجه آن فرزندان آنها دو زبان را به طور کامل فراخواهند گرفت. شبکه‌های استانی آذری‌زبان

صداوسیما می‌توانند ضمن آگاهی از زمینه‌های تداخل متقابل زبانی دو زبان آذری و فارسی، از نتایج این پژوهش در تهیه برنامه و گزارش و خبر بهره ببرند.

کلیدواژه‌ها: انتقال زبانی، تداخل زبانی، زبان آذری، زبان فارسی.

۱ مقدمه

تداخل زبانی^۱ در جامعه‌شناسی زبان و آموزش زبان خارجی ناظر بر خطاهایی است که گوینده تحت تأثیر زبانی دیگر مرتکب آن می‌شود (کریستال^۲، ۲۰۰۸). تداخل زبانی را ذیل انتقال زبانی^۳ بررسی می‌کنند. انتقال زبانی دو صورت مثبت و منفی دارد. در انتقال مثبت، زبان مادری به دلیل یکسانی در برخی ویژگی‌های زبانی، در امر ارتباط، به کمک زبان هدف می‌آید و امر یادگیری و استفاده از زبان دوم را راحت‌تر می‌کند. در مقابل، انتقال منفی یا همان تداخل زبانی ناظر بر کاربرد الگوها و قواعدی از زبان مادری در زبان هدف است که منجر به خطاهای زبانی یا صورت‌های زبانی نامناسب در زبان هدف می‌شود (ریچاردز^۴ و اشمیت^۵ ۲۰۰۲). به‌عنوان مثال، فقدان تکواژ صفت تفضیلی در زبان آذری باعث می‌شود که برخی از گویشوران این زبان، جمله فارسی «این دانشگاه از آن دانشگاه بزرگ‌تر است» را به صورت «*این دانشگاه از آن دانشگاه بزرگ است» به‌کار ببرند. از آنجا که این انتقال منفی به صورت ناخودآگاه در ذهن سخنور رخ می‌دهد، پدیده زبانی مذکور را «تداخل زبانی ناخودآگاه» می‌نامند و موضوع پژوهش حاضر تداخل زبانی ناخودآگاه زبان آذری در زبان فارسی است که در گفتار و نوشتار آذری زبان‌ها می‌بینیم.

اهل زبان دارای دانش ناخودآگاه زبانی هستند که بر پایه آن زبان مادری را بدون خطا به‌کار می‌برند و زبان مادری غالباً اولین زبانی است که گویشور در معرض آن قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، زبان اول زبانی است که گویشور نسبت به سازوکار نظام زبان اشراف کامل و دانش ناخودآگاه دارد. اغلب بین زبان مادری و زبان اول همپوشانی وجود دارد. به‌هنگام نوشتن یا سخن‌گفتن به زبانی غیر از زبان مادری معمولاً خطاهایی رخ می‌دهد که این خطاها از تسلط زبان مادری بر ناخودآگاه گوینده ناشی می‌شود. گویندگان به زبان دوم همواره تحت تأثیر زبان اول خود قرار می‌گیرند و به همین دلیل دچار تداخل زبانی می‌شوند. به هر میزان آشنایی آنها با زبان دوم کمتر باشد، امکان تداخل زبانی بیشتر خواهد بود.

زبان فارسی زبان فرهنگی همه اقوامی است که در فلات ایران زندگی می‌کنند و با این زبان با هم‌میهنان خود سخن می‌گویند. زبان فارسی زبان همه ایرانیان نیست به همین دلیل اقوام

1. linguistic interference

2. D. Chrystal

3. language transfer

4. J. C. Richards

5. R. Schmidt

غیرفارسی‌زبان در سخن گفتن به این زبان، ناخودآگاه متأثر از نظام حاکم بر زبان مادری خود هستند که این تأثیر را در همهٔ زمینه‌های آوایی، ساختوازی، نحوی و معنایی می‌بینیم. فقدان دانش زبانی کافی به زبان فارسی باعث می‌شود که ایرانیان غیرفارسی‌زبان به‌هنگام سخن گفتن یا نوشتن به زبان فارسی از نظر آوایی کلمات را به‌گونه‌ای تولید کنند که در آن، آواها از نظر جایگاه تولید، نحوهٔ تولید و دیگر مشخصه‌های آوایی از جمله مشخصه‌های زبرزنجیری همانند زبان مادری و متفاوت از زبان فارسی معیار باشد. از نظر ساختوازی در زمینه‌های تصریف و واژه‌سازی بخشی از قواعد ساختوازی زبان مادری خود را حفظ می‌کنند و در چارچوب آن به واژه‌سازی و کلمه‌پردازی مبادرت می‌کنند. از نظر نحوی، تحت تأثیر زبان مادری خود آرایش عناصر نحوی در درون گروه و جمله را در زبان هدف رعایت نمی‌کنند و آرایش سازه‌های نحوی را متناسب با ساختار نحوی زبان مادری خود تنظیم می‌کنند. نیز از نظر معنایی، معنایی را به کلمات و ترکیبات منتسب می‌کنند که در زبان هدف (فارسی) رایج نیست.

تداخل زبانی به دلیل فقدان انطباق یک‌به‌یک نظام‌های آوایی، ساختوازی، نحوی و معنایی زبان‌ها رخ می‌دهد و در سخن گفتن و نوشتن به افراد کم‌سواد و بی‌سواد اختصاص ندارد. افراد تحصیل‌کرده و حتی شاعران و نویسندگان هم از تداخل زبانی مصون نیستند. بیتی از خاقانی شاعر قرن ششم این نکته را به خوبی نشان می‌دهد:

برفروزید چراغی و بجوید مگر به من روزفروفته پسر باز دهید

(خاقانی، ۱۳۹۱: ۱۶۴)

«گونوباتمیش /günübâtmiš/» در آذری صفتی با ساختار پیچیده^۱ و مرکب از /gün/ به دو معنی «روز» و «خورشید»، /-î/- دوم که واژه‌بست ملکی است و بن مضارع از مصدر /bâtmaq/ به معنی «غروب کردن، فرورفتن» و پسوند صفت‌ساز /-miš/ است. این مجموعه در ترکیب با هم اشاره به کسی دارد که «روزش به پایان رسیده یا خورشیدش غروب کرده است» و کنایه از سیاه‌بختی است. ترکیب آذری «روزفروفته» در زبان فارسی رایج نیست و شاعر در چارچوب نظام واژه‌سازی زبان مادری خود یعنی زبان آذری اجزای سازندهٔ واژه را ترجمه کرده و به‌کار برده است. تداخل زبانی در بیت بالا باعث شده است شارحان خاقانی متوجه اصل موضوع نشوند و در شرح خود خطا کنند. کزازی (۱۳۹۱: ۱۲۳) آن را کنایه از پیری دانسته، در حالی که خاقانی این قصیده را در ۲۵ سالگی سروده است. سجادی (۱۳۸۹) هم آن را کنایه از به‌سرآمدن عمر دانسته و در تداول مردم گناباد به معنی غروب خورشید نوشته شده است (امیری‌مهر و همکاران، ۱۴۰۱).

میزان تداخل زبانی با میزان برخورداری از توانش زبانی و توانش ارتباطی در زبان دوم رابطهٔ عکس

دارد. به هر میزان توانش زبانی ما در زبان دوم جامع‌تر باشد، به همان میزان تداخل زبانی زبان مادری و در نتیجه خطاهای زبانی در استفاده از زبان دوم کم‌تر می‌شود. دلیل این امر به فاصله‌گرفتن از فضای عمومی زبان اول در گفتن و نوشتن به زبان دوم برمی‌گردد. به هر میزان گوینده در فضای عمومی زبان مادری خود حضور داشته باشد، به همان میزان امکان خلق عبارات‌های ناآشنا بیشتر خواهد بود (الیس^۱، ۱۹۹۴).

بررسی کامل تداخل زبانی در دو زبان زمانی امکان‌پذیر است که دو زبان در جایگاه دو نظام ارتباطی کامل از نظر عناصر اولیه سازنده و شیوه ترکیب این عناصر در همه سطح‌های زبان با هم مقایسه شوند که در نتیجه آن زمینه‌های اختلاف در بین زبان‌ها مشخص می‌شود. البته اگر مقایسه زبان‌ها را کامل انجام دهیم و زمینه‌های اختلاف زبان‌ها و تداخل زبان را بشناسیم، فقط بخشی از موضوع تداخل زبانی را روشن کرده‌ایم. بخش‌های دیگر ریشه در اندیشه قومی و تفاوت‌های فرهنگی دارد که شاید به سادگی قابل تبیین نباشد، ولی سایه سنگین آن را در خلق عبارات‌ها و کلمه‌های ناآشنا در زبان هدف و خلاف نظر گوینده می‌بینیم. زبان دریچه نگاه اهل زبان به هستی است و بخشی از نگرش اهل زبان به هستی در زبان آنها هویدا است. عبارات و گونه‌های زبانی معطوف به جنسیت، قدرت، ساختار اجتماعی، شیوه بیان روابط خویشاوندی، تعداد رنگ‌ها و مواردی از این دست در زبان، نشان‌دهنده باورهای قومی هستند که در قالب الفاظ تجلی می‌یابند. همچنین زبان بخشی از فرهنگ است و اهل زبان برای بیان ویژگی‌های فرهنگی الفاظی را خلق می‌کنند که ممکن است فقدان این ویژگی‌ها در زبان هدف و ترجمه آن مفاهیم موجب تداخل زبانی شود. بنابراین در بررسی تداخل زبانی، علاوه بر مطالعه و مقایسه زبان‌ها، لازم است به باورهای قومی و فرهنگ اهل زبان توجه کنیم. در ادامه، شیوه‌های مختلف تداخل زبانی در زبان آذری در زبان فارسی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. ابتدا لازم است خاطرنشان کنیم که گویشوران هر زبانی نظام آوایی زبان هدف را اصطلاحاً بومی‌سازی^۲ می‌کنند (گوسن‌هوون^۳ و یاکوبز^۴، ۲۰۱۱: ۵۰-۴۵). یعنی در سخن‌گفتن به زبان هدف مطابق دانش نظام آوایی زبان مادری خود عمل می‌کنند. بومی‌سازی یک جریان است و در همه سطوح زبانی دیده می‌شود. جریان بومی‌سازی با کسب توانش زبانی در زبان هدف ضعیف‌تر می‌شود. البته تداخل زبانی در بخش نظام آوایی سخت‌تر از دیگر سطح‌های زبانی مرتفع می‌شود و دلیل آن هم این است که نظام آوایی زبان از اولین جلوه‌های زبان است که اهل زبان حتی از پیش از تولد در معرض آن هستند. به همین دلیل و به اصطلاح عوام لهجه گوینده در اولین تماس زبانی مشخص می‌شود. از نظر ساختار آوایی، زبان آذری و فارسی نظام‌های ساختار آوایی متفاوتی دارند که این

1. R. Ellis

2. nativization

3. C. Gussenhoven

۴. H. Jacobs

موضوع منشأ تداخل زبانی از این حیث است. مثلاً زبان آذری فاقد معادل پسوند تصریفی صفت و قید تفضیلی در فارسی (-تر) است و به همین دلیل می‌بینیم گوینده آذری جمله «*او زود از ما خوابید» را به کار می‌برد که در زبان فارسی بدساخت است. از نظر نحوی، شاهد عبارت‌هایی مانند «زن دایی‌ام برادرش» به جای «برادر زندایی‌ام» هستیم که مطابق قواعد نحوی آذری ساخته می‌شوند. تداخل زبانی از نظر معنایی بسامد بسیار بالایی دارد که گاهی هم نتایج بسیار ناخوشایندی به دنبال دارد. به عنوان مثال «باز» در آذری به معنای «علاقه‌مند»، کلمه مستقلی است. در جمله آذری «من بستنی‌ه چوخ بازام» یعنی «من خیلی به بستنی علاقه‌مندم/ من بستنی خیلی دوست دارم». در داده‌های تحقیق به جمله‌هایی مانند «او (به) مهمانی باز است» که لفظ «باز» را عیناً با معنای آذری آن به کار می‌برند. از طرف دیگر (-باز) در فارسی پسوند اشتقاقی است و تقریباً با همان معنای آذری در کلمه‌هایی مانند «کفترباز، قمارباز» که اشاره به شغل و علاقه دارد به کار می‌رود. عدم درک تفاوت «باز» در دو زبان در گفتگوی یک نقاش آذربایجانی و خانم صاحب‌خانه در تهران که دوست نگارنده از نزدیک شاهد آن بوده، نزدیک بوده است کار را به شکایت بکشاند که با توضیح مفصل، ظاهراً مسئله حل شده است. به این ترتیب که نقاش می‌خواسته گوشه‌ای از خانه‌ای را نقاشی کند که صاحب‌خانه با پسر خردسالش در آن زندگی می‌کرده است. صاحب‌خانه مراقب بوده که پسر بچه شلوغ نکند و نقاش برای اطمینان دادن به صاحب‌خانه که از سروصدای بچه ناراحت نمی‌شود؛ می‌گوید: «خواهرم اذیتش نکنید، من خودم بچه بازم!» و منظورش این بوده است که «من بچه‌ها را دوست دارم». البته خانم در طول نقاشی بچه را به خانه مادرش می‌برده است. حذف حرف اضافه از سوی آذری‌زبان‌ها بسیار رایج است و در ادامه مفصل به آن خواهیم پرداخت. گاهی در بیان مفهومی ساختار آذری را به فارسی برمی‌گردانند که در فارسی آن مفهوم را به شکلی دیگر بیان می‌کنند. مثلاً می‌گویند «بین باران باز شد» که در فارسی کاملاً با لفظ متضادی بیان می‌کنند و می‌گویند «بین باران بند آمد».

تداخل زبانی ناشی از تفاوت فرهنگی نیز امر ارتباط زبانی را مشکل می‌کند. مثلاً «پای» در آذری یعنی «سهم، خلعت، عیدی» است که به خصوص در عید نوروز پدران و برادران به دختران و خواهران می‌دهند. در داده‌های تحقیق به جمله «من به عمه‌هایم سهم بردم تهران» به این معنی است که «من برای عمه‌هایم که در تهران زندگی می‌کنند، عیدی بردم» که بدون فهم این امر فرهنگی جمله بالا قابل درک نیست.

پیش‌تر گفتیم که اندیشه قومی نیز می‌تواند در قالب زبان خودنمایی بکند و به نوبه خود می‌تواند نوعی تداخل زبانی به وجود بیاورد؛ چراکه لفظ یا عبارتی در زبان برای بیان آن مفهوم و اندیشه خلق می‌شود که ممکن است برگردان آن به زبان دیگری، گفته را نامفهوم بکند. در زبان آذری لفظ

«اسکیک» به معنی «کم» و مجازاً به معنی «حقیر» است که به عنوان صفتی برای انسان به کار می‌برند. برخلاف گونه‌های آذری رایج در تبریز و خوی، در گونه آذری رایج در زنجان این لفظ علاوه بر معنای بالا برای توصیف دختران به کار می‌رود که به معنای «عزیز» و تلویحاً به معنای «ضعیف و قابل‌ترحم» است. عبارت «خواهرت کم است، چشمش به راه است، به او سر بزن» ترجمه عبارت آذری «اسکیکدی، گوزو یولدادی، اونا باش ویر» است و تلویحاً نشان می‌دهد که باور بر این است که دختران ضعیف هستند. جمله بالا را مرد تحصیل کرده‌ای به نقل از پدرش بیان کرده است. نیز ضرب‌المثل‌ها نماینده تفکر و تجربه قومی هستند که برگردان آنها به زبانی دیگر، از نظر معنایی گاه ناقص و بی‌معنی خواهد بود و به تداخل زبانی از جنس نگرش قومی خواهد انجامید.

داده‌های تحقیق حاصل یادداشت‌های سه‌ساله است که نویسنده مستقیم آنها را از زبان گویشوران آذری شنیده است. تعداد یادداشت‌ها بسیار زیاد است که با طبقه‌بندی آنها و حذف موارد مشابه ۲۰۰ جمله و عبارت را برای بررسی تداخل زبانی آذری در فارسی حفظ کردیم. گفتگوهای خانوادگی، فضای مجازی، گفتار و نوشتار دانشجویان و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی منابع داده‌های ما هستند و همین جا لازم می‌دانم از افرادی که نویسنده را در جمع‌آوری داده‌ها یاری کرده‌اند، سپاسگزاری کنم. زبان آذری فاقد گونه معیار است و گونه‌های زبانی آذری در شهرها و مناطق مختلف تفاوت‌هایی با هم دارند. همچنین این زبان فاقد یک نظام نوشتاری منسجم است. گونه زبانی مورد نظر در این پژوهش آذری رایج در استان زنجان است.

رایج‌ترین شکل‌های تداخل زبانی آذری در فارسی را در ادامه با آوردن نمونه‌هایی از هر طبقه از داده‌ها جداگانه بررسی می‌کنیم. این مقاله با احتساب مقدمه به عنوان بخش اول، ده بخش دارد که در هشت طبقه مختلف انواع تداخل زبانی بسیار رایج را بررسی و معرفی کرده‌ایم که بخش‌های آتی به ترتیب عبارت‌اند از: ۲. در حرف اضافه از نوع حذف یا استفاده نابجا از حرف اضافه؛ ۳. در فعل از نوع ترجمه فعل آذری و ترجمه فعل‌های اصطلاحی و تداخل معنایی چند به یک در فعل در کنار معرفی چند فعل پربسامد دخیل در موضوع؛ ۴. در ترجمه لفظ به لفظ جمله آذری؛ ۵. در وجود لفظ مشترک با معنای متفاوت در دو زبان؛ ۶. در واژه‌سازی با الگوی زبان مادری؛ ۷. در برگردان اصطلاح‌ها؛ ۸. در تداخل زبانی ویژه که در آن ساخت متممی آذری به صورت مصدر + /-i/ در فارسی درمی‌آید؛ و ۹. در حضور نظام تصریف و قواعد نحوی زبان اول. در بخش پایانی نتیجه‌گیری را آورده‌ایم.

۲ حرف اضافه

در موضوع حرف اضافه، گویشوران آذری تحت تأثیر زبان مادری خود به دو شکل حذف حرف

اضافه یا استفاده از حرف اضافه‌ای متفاوت دچار تداخل زبانی می‌شوند که در ادامه این دو موضوع را بررسی می‌کنیم.

۱-۲ تداخل زبانی با حذف حرف اضافه

زبان آذری فاقد حرف اضافه به‌عنوان عنصر واژگانی مستقل است و در این زبان برای نشان‌دادن نقش گروه‌های اسمی از پسوندهای نقش‌نما استفاده می‌کنند. از طرف دیگر، زبان فارسی در حال حاضر یک زبان تحلیلی است که در آن برای نشان‌دادن نقش گروه‌های اسمی در جمله از حرف اضافه استفاده می‌کنند. این تفاوت باعث می‌شود که آذری‌زبان‌ها در سخن‌گفتن به فارسی به‌خاطر فقدان حرف اضافه در زبان مادری، حرف اضافه را حذف کنند و در برگرداندن پسوند نقش‌نما به‌صورت حرف اضافه درست عمل نکنند، به‌عنوان مثال:

- * اینو نظر بگیر (اینو در نظر بگیر/ به این توجه کن!)
- * بیرون رب نگیرید (از بیرون رب نخرید)
- * چایی همتون می‌رسونم (به همه‌تون چایی میدهم)
- * یخچال جا نبود، گذاشتیم بیرون (در یخچال جا نبود، گذاشتیم بیرون)

۲-۲ تداخل زبانی در استفاده نابجا از حرف اضافه

گویشوران آذری در استفاده از حرف اضافه فارسی دچار تداخل زبانی می‌شوند و دلیل آن هم فقدان رابطه یک‌به‌یک میان پسوندهای نشانه حالت در آذری با حرف اضافه مشخص در فارسی است. به‌عنوان مثال، پسوند نقش‌نمای /-a/ آذری در فارسی معادل حرف‌های اضافه «برای، در، به، از، توی و داخل، جلوی، را، به، کسره اضافه» است. این پسوند با توجه به بافت آوایی به دو صورت [-a, -â] در گفتار ظاهر می‌شود. مثال‌های زیر موضوع استفاده نابجا از حرف اضافه را به‌خوبی نشان می‌دهند:

- * از اون عطر فردا میاری ب هم (از اون عطر برام/ برای من میاری)
- * ب هس دعا کن (برایش دعا کن)
- * کرونا به تو استشنا قائل میشه (کرونا برای تو استشنا قائل میشه)
- * به احمد نامه آمد (برای احمد نامه او مد/ احمد نامه داشت)
- * آره به شما جا میشه (آره برای شما هست)
- * به او تعریف کردم (برای او تعریف کردم)
- * مامان به ما شام پخت (مامان برای ما شام پخت)
- * دلم به خودم می‌سوزد (دلم برای خودم می‌سوزد)

- *زود به برادرتون زن بگیرید (زود برای برادرتون زن بگیرید)
- *به همه چیز جوک می‌سازند (با همه چیز جوک می‌سازند)
- *دوستانی که به من تقاضا کردند (دوستانی که از من تقاضا کرد)
- *یه کم زعفران بریز به این (یه کم زعفران بریز داخل/تو این)
- *این کیه داخل تولدش؟ (این کیه در (عکس) تولدش؟)
- *چایی را به دایی بگیر (چایی را جلوی دایی بگیر)
- *به مردم اذیت می‌کند (مردم را اذیت می‌کند)
- *به من منت کشید (منت من را کشید)
- *من سالاد به سس خوردم (من سالاد با سس خوردم)

۳ تداخل زبانی در استفاده از فعل

تداخل زبانی مربوط به فعل در گفتار و نوشتار به فارسی از سوی آذری‌زبان‌ها شکل‌های مختلفی دارد که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۳-۱ ترجمه فعل آذری

تداخل در اینجا با ترجمه فعل آذری به فارسی و در نظر نگرفتن صورت رایج فعل مربوط در زبان فارسی و تبدیل فعل مرکب به فعل ساده و بالعکس و همچنین ترجمه لفظ به لفظ بخش‌های همراه و همکرد در فعل مرکب یا ترجمه یکی از بخش‌های فعل مرکب و حفظ بخش دیگری دیده می‌شود. مثلاً در:

- *تا رسیدیم آهنگ باز کرد (تا رسیدیم آهنگ گذاشت)
- *حلیم را خم کن تو دیگ (حلیم را بریز داخل دیگ)
- *غذا ضرر کرد بهش (غذا به او نساخت)
- *یه دعوا با شوهر بیچاره‌اش انداخت (با شوهر بیچاره‌اش دعوا کرد)
- *رسیدی بالا صدا بنواز (رسیدی بالا صدا کن)
- *تلویزیون را باز کن/ ببند (تلویزیون را روشن کن/ خاموش کن)
- *الان در اومدم (الان راه افتادم)
- *رفتم کلید کشیدم (رفتم کلید درست کردم)
- *حوصله‌ام نکشید (حوصله‌ام نشد، حوصله نکردم)
- *تازه سالنش را باز کرده (تازه سالنش را افتتاح کرده)

- *کاکوتی به بعضی‌ها حساسیت می‌ده (بعضی‌ها به کاکوتی حساسیت دارند)
- *الان به فکر افتاد (الان یادم افتاد)
- *به گل آب ریختم (به گل آب دادم)
- *اجازه دادند خبر آزادیم را به خانواده‌ام بگویم (اجازه دادند خبر آزادیم راه به خانواده‌ام بدهم)
- *دو تا قرص انداختم (دو تا قرص خوردم)
- *سرکه/ عرق/ رب درآوردیم (سرکه انداختیم/ عرق گرفتیم/ رب درست کردیم)
- *دایی‌ام ما را مهمان برد تهران (دایی‌ام ما را برد تهران، مهمانش شدیم)
- *آگه سرده بخاری را بلند کنم (آگه هوا سرده بخاری را زیاد کنم)
- *دستت درد کرد؟ (دستت درد گرفت؟)
- *ذهنم کور شد (ذهنم تعطیل شد)
- *غذا می‌بینی؟ (غذا کافی؟)
- *شبا طولانیه (شبا بلندند)

۲-۳ فعل‌های اصطلاحی

گاهی اجزای فعل اصطلاحی آذری را لفظ به لفظ ترجمه و آن را به همان شکل در زبان فارسی به‌کار می‌برند که در زبان هدف رایج نیست. مثلاً در:

- *تقلب کردند، دست را بزن زمین^۱ (تقلب کردند بازی را ادامه نده! [در بازی ورق])
- *یک بار قاطی کرد به ما (یک بار از دست ما عصبانی شد)
- *داشتند خانه کار می‌کردند (داشتند خانه می‌ساختند)
- *صدایش خام میاد (صدایش پخته نیست، صدایش صاف نیست)
- *این حرفت یک سیگار می‌بره (این حرفت یک سیگار می‌خواهد)
- *وقتی کنکور درآمدم (وقتی کنکور قبول شدم)
- *وسایل اضافه رو بذاریم زمین (وسایل اضافه را با خودمان نبریم)
- *به مادرش کشیده (به مادرش رفته)
- *از شنیدن این خبر آدم بدنش می‌لرزه (از شنیدن این خبر آدم تنش می‌لرزه)
- *تقصیر ما میندازی؟ (از چشم ما می‌بینی؟)

۱. (ازقضا اصطلاح «بر زمین زدن» در شعر خاقانی هم آمده است: بر زمین زن صحبت این زاهدان جاه‌جوی/ مشتری صورت ولی مریخ‌سیرت در نهان. «بر زمین زدن» معادل ترکی «یر وورماق» / yera vurmâq/ به معنی کنایی «رها کردن و دورانداختن» است. این اصطلاح در بیت بالا نیز دقیقاً به همین معنی «واگذاشتن و رها کردن» به‌کار رفته است: یعنی همراهی با این زاهدان را رها کن (امیری مهر و دیگران ۱۴۰۱).

- *یه وقت میلتون نکشه؟ (یه وقت دلتون نخواد)
- *پایم در اومده بود، نتونستم پیام کلاس (پایم در رفته بود، نتونستم پیام کلاس)
- *درخت خیلی بارشه (درخت خیلی بار دارد)

۳-۳ تداخل معنایی چند به یک در فعل‌ها

گاهی فعل واحدی در زبان آذری معناهای متفاوتی دارد و آذری‌زبان‌ها همه این معناها را فقط با یک لفظ فارسی بیان می‌کنند که گویا این لفظ آشناترین معادل برای آنهاست و این امر موجب بدساختی جمله در زبان فارسی است. از جمله این فعل‌ها می‌توانیم به «اولماق» و «چیخماق» به ترتیب در معناهای اولیه «شدن» و «درآمدن» اشاره کنیم.

۱-۳-۳ معناهای مصدر «اولماق» در معنای اولیه «شدن»

الف) قراردادن، واقع‌بودن، مثلاً در:

- *خونه‌شون پونک میشه (خونه‌شون در [محلۀ] پونک قرار دارد)
 - *مطب دکتور در کوچۀ بالایی میشه (مطب دکتور در کوچۀ بالایی واقع است)
- ب) وجودداشتن، رخ‌دادن، آمدن، باریدن، وزیدن، مثلاً در:
- *این محل دزد میشه (در این محل دزد [هم] وجود دارد)
 - *بهار زیاد سیل میشه (بهار زیاد سیل میاد)
 - *اینجا زیاد باد میشه؟ (اینجا زیاد باد می‌وزد/ میاد)
 - *زنجان زمستان‌ها زیاد برف میشه (زمستان‌ها در زنجان برف زیاد می‌آید/ می‌بارد)
 - *آره به شما جا همیشه همیشه (آره برای شما همیشه جا هست)

ج) بودن، استن، مثلاً در:

- *حیف بشه، نیستی (حیف که نیستی)
- *خونه‌شون زیاد دور نمیشه (خونه‌شون زیاد دور نیست)
- *اگه علی می‌شد می‌گفتم (اگر علی بود، می‌گفتم)
- *داروخانه روبه‌رو میشه (داروخانه در روبه‌رو است)
- *حواست نشد بیایی؟ (حواست نبود بیایی؟)
- *دایی‌ام حتماً در مهمانی میشه (دایی‌ام حتماً در مهمانی است)

۲-۳-۳ معناهای مصدر «چیخماق» در معنای اولیه «درآمدن»

الف) قبول‌شدن، مثلاً در:

- *از تحقیقات در اوادم (در تحقیقات [محلی] پذیرفته شدم)

- ب) مرخص شدن، مثلاً در:
- *سه روز بود بیمارستان در او مدم (سه روز می‌شد که از بیمارستان مرخص شده بودم)

ج) اخراج شدن، مثلاً در:

 - *شرکت در او مدم رفتم تاکسی (از شرکت اخراج کردند، رفتم [کار با] تاکسی [را شروع کردم]، [فعل در آذری به صورت سببی است])
 - *زمین در او مدم، مستقیم رفت رختکن (از زمین که اخراج شد، یک‌راست رفت به رختکن)

د) بیرون آمدن، مثلاً در:

 - *دزد خونه در او مدم، پلیس او را گرفت (دزد تا از خونه بیرون آمد، پلیس گرفتش)

ه) در آمدن، مثلاً در:

 - سیبیلش زود در او مدم

و) کردن [در نقش همکرد در فعل مرکب]، مثلاً در:

 - *خوب عقلت در او مدم نرفتی (خوبه که عقل کردی نرفتی)

۴ ترجمه جمله

گویشوران زبان آذری گاهی کل مفهوم جمله را در زبان خود کلمه به کلمه به آشناترین الفاظ فارسی در ذهن خود برمی‌گردانند و تقریباً به همان ترتیب به کار می‌برند که لزوماً توالی این الفاظ و ساختارهای نحوی در زبان فارسی رایج نیست. نتیجه این نوع تداخل زبانی، جمله‌هایی ناقص، بی‌معنا و گاهی متفاوت از نظر معنایی است. در ادامه، به نمونه‌هایی از این جمله‌ها می‌پردازیم که از بین داده‌های تحقیق انتخاب کرده‌ایم:

- *از اون کار نمی‌شه (آن کار مناسب نیست)
- *تکه‌تکه خریدن، گران‌تر میشه (خردخرد خریدن [نیازهای روزانه] گران‌تر از آب درمی‌آید)
- *نگه دار من بیفتم! (نگه دار من پیاده بشوم!)
- *چایی صبحونه تو لیوان میشه دیگه؟ (چایی صبحانه را تو لیوان می‌خورند دیگه؟)
- *چایی را بگیر به دایی (چایی را به دایی تعارف کن)
- *از پشت شما باد رد شده (پشتتون باد خورده)
- *آقای نماینده، چرا عقب‌ت را کردی به ما [آقای نماینده، چرا پشت به ما نشستی/ آقای نماینده، چرا پشتت را به ما کردی؟]
- *بگم چی نشین (بگم خدا چکارتون نکنه)
- *ما را داد دهن سوراخ (ما را لو داد)

- *خدا بگه می‌ریم (اگر خدا بخواهد، می‌رویم)
- *خدا کمکشان باشه (خدا به همراهشان)
- *من دیروز در آمدم بیرون (من از دیروز از خانه بیرون آمده‌ام)

۵ لفظ مشترک با معنای متفاوت

برخی الفاظ در دو زبان آذری و فارسی مشترک هستند، ولی معنای متفاوتی دارند. گویشوران آذری زبان لفظ‌های مشترک را با معنای آذری در زبان فارسی به کار می‌برند که این نوع تداخل زبانی خیلی رایج است. در ادامه به مواردی از این دست از داده‌های پژوهش اشاره می‌کنیم:

- *حتی مواد ضد عفونی کننده به خرج زندانی نمی‌خرند (حتی مواد ضد عفونی کننده به هزینه زندانی نمی‌خرند)
- *من یه بار جوگیر شدم رفتم سه جفت خریدم اما هیچ استفاده نکردم (من یه بار جوگیر شدم رفتم سه جفت خریدم، اما اصلاً استفاده نکردم)
- *خبر قبولیتو شنیدم خیلی نشه [نشئه] شدم (خبر قبولیتو شنیدم خیلی خوشحال شدم)
- *آدمی ۵۰۰۰ تومان دادیم (نقری ۵۰۰۰ تومان دادیم)
- *خانه پدرم سه مرتبه است (خانه پدرم سه طبقه است)
- *چراغ قرمز برایش خرج نیست (چراغ قرمز برایش اهمیت ندارد)
- *سرپا اومد و رفت (کوتاه اومد و رفت)

۶ واژه‌سازی

گویشوران زبان آذری گاهی مطابق قواعد واژه‌سازی زبان خود واژه‌هایی را می‌سازند که این نوع الگوهای واژه‌سازی یا واژه‌ها در زبان فارسی رایج نیستند. برخی از شواهد مربوط به این بخش را از داده‌های پژوهش در ادامه می‌بینیم:

- *کم درست کن! تازه تازه درست کن! (کمتر درست کنی، همیشه غذای تازه داری)
- *تکه تکه خرید نکن! (خردخرد خرید نکن!)
- *یادت باشه کاغذ دستمالی بخری! (یادت باشه دستمال کاغذی بخری!)
- *ناهار کوکوسبزی / قورمه سبزی داریم (ناهار سبزی قورمه / سبزی کوکو داریم)
- *به زوری میرم کربلا هر سال (زورکی / به زور هر سال به کربلا می‌روم)

۷ اصطلاح

تداخل زبانی در خصوص اصطلاح‌ها هم مشابه موارد پیشین است که در آن اجزای سازنده اصطلاح

- آذری را ترجمه و گاهی عیناً در فارسی به کار می‌برند. در بالا در بحث فعل‌های اصطلاحی در این باره بحث کردیم و در ادامه نیز نمونه‌هایی می‌بینیم که این مطلب را به خوبی نشان می‌دهند:
- * شرکت ما یک کارگر می‌خواست به یک کارگر دیگه دست بده (شرکت ما یک کارگر لازم داشت تا به کارگر دیگری کمک کنه) [«به کسی دست دادن» در آذری یعنی «کسی را کمک کردن»]
 - * شامپو رو گذاشتم زمین (از خرید شامپو منصرف شدم) [زمین گذاشتن یعنی انتخاب نکردن/ منصرف شدن]
 - * آی دهنتون تلخ بشه، چرا ما را اذیت می‌کنید؟ (خدا ازتون نگذره/کامتون تلخ بشه، چرا ما را اذیت می‌کنید)
 - * دیروز فلانی را آب کشیدم (دیروز فلانی را شستم گذاشتم کنار)
 - * با هم راست/ درست نمی‌گند (با هم نمی‌سازند)
 - * آنقدر خوبه که همیشه هیچ اسمی روش گذاشت (آنقدر خوب است که نمیشود هیچ ایرادی بهش/ ازش گرفت)

۸ برگردان ساخت متممی آذری به صورت مصدر + /-i/ در فارسی

آذری‌زبان‌ها با بسامد بسیار بالا ترکیب‌های اضافی با نقش متمم قیدی را در زبان خود به صورت مصدر بعلاوه یای معلوم (/i/) در زبان فارسی به کار می‌برند که این ترکیب‌ها با نقش مورد نظر در فارسی وجود ندارد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

- * رب درآوردنی خاله‌ام خانه ما بود (در زمان درست کردن رب، خاله‌ام در خانه ما بود)
- * باران باریدنی، ما بیرون بودیم (هنگام باران ما بیرون بودیم)
- * رسیدنی، زنگ زدیم (به وقت رسیدن زنگ زدیم/ زمان رسیدن زنگ زدیم/ به محض اینکه رسیدیم، زنگ زدیم)

۹ تصریف و ساختارهای نحوی و اصوات

زبان‌های آذری و فارسی نظام‌های تصریف و ساخت‌های نحوی متفاوتی دارند که موجب می‌شود آذری‌زبان‌ها گاهی جمله‌های فارسی را در قالب تصریف یا قواعد نحوی آذری بیان کنند. در گفتار آذری‌زبان‌ها به زبان فارسی حضور اصوات آذری نیز بسیار قابل توجه است و این نوع تداخل‌های زبانی بسامد بسیار بالایی دارد. نمونه‌هایی از تداخل‌های زبانی از این دست را در ادامه می‌بینیم:

- * دوستاش پیششه (دوستانش پیشش هستند) [نبود مطابقه نهاد و فعل]

- *کدوم خوبه؟ (کدوم بهتره؟)
- *خیلی باصفالیه (خیلی باصفاست) [استفاده همزمان از قاعده صفت‌ساز فارسی و آذری]
- *برادرم، مادرخانمش (مادرخانم برادرم)
- *قربانم (قربانت)
- *ریختم بره ها، نمیخوری؟ (ریختم بره، نمیخوری؟)
- *ممنون/مرسی دیگه (ممنون!/مرسی!)
- *بیادا!//بیادیمدا (بیا دیگه/او مدم دیگه) [گفتگوی مادر و فرزند در پیاده‌رو و حضور واژه‌بست آذری /-dâ/ در گفتار فارسی]

۱۰ نتیجه‌گیری

با بررسی تداخل زبانی زبان آذری در زبان فارسی در گفتار و نوشتار گویشوران آذری‌ها براساس داده‌های گوناگون به این نتیجه می‌رسیم که تداخل زبانی در همه لایه‌های چهارگانه زبان امکان‌پذیر است. از سوی دیگر، میزان تداخل زبانی با دانش زبانی گوینده از زبان هدف و در اینجا زبان فارسی رابطه عکس دارد. به هر میزان اشراف گوینده به زبان فارسی بیشتر باشد، میزان تداخل کمتر خواهد بود. تداخل زبانی زمانی صورت می‌گیرد که گوینده در فضای زبانی زبان مادری خود قرار دارد و به همین دلیل حضور زبان مادری را در گفتار و نوشتار او می‌توان دید. تداخل زبانی مربوط به نظام آوایی اولین و استوارترین نوع تداخل است که سخت‌تر از حوزه‌های دیگر می‌توانیم از آن پرهیز کنیم. دلیل این امر این است که اطلاعات واجی اولین جلوه از تبلور زبان هستند که اهل زبان در معرض آن قرار می‌گیرند و در زبان‌آموزی، زبان‌های دیگر را در قالب نظام آوایی زبان مادری خود درک و تولید می‌کنند. در مقابل، از تداخل زبانی ساختوازی، نحوی و معنایی راحت‌تر می‌توان پرهیز کرد.

در این پژوهش هشت طبقه اصلی از رایج‌ترین تداخل‌های زبانی زبان آذری در زبان فارسی را معرفی کرده‌ایم و برای هر طبقه و زیرطبقه‌های آن مثال‌هایی را از بین داده‌های پژوهش آورده‌ایم. گویشوران زبان آذری هنگام سخن گفتن یا نوشتن به زبان فارسی با حذف حرف اضافه یا کاربرد نابجای حرف اضافه، ترجمه فعل یا ترجمه فعل‌های اصطلاحی و نیز با عدم تشخیص معناها یا گوناگون یک فعل، ترجمه کلمه به کلمه جمله آذری به فارسی، استفاده از لفظ مشترک در دو زبان و عدم درک معناها متفاوت آنها، واژه‌سازی در چارچوب قواعد زبان آذری، ترجمه اصطلاح‌ها، جمله‌سازی در چارچوب نظام تصریف و نحو زبان مادری و به شکل‌های گوناگون دیگر دچار تداخل زبانی می‌شوند.

بودن در بافت‌های چندزبانه و فراگرفتن آسان‌تر چند زبان از بختیاری‌های آدمی است که لازم است متوجه اهمیت آن باشیم. متأسفانه در زنجان و بسیاری از شهرهای آذربایجان والدین این فرصت

را از فرزندان خود دریغ می‌کنند و سعی می‌کنند با آنها به زبان فارسی سخن بگویند و از آنجایی که غالباً به زبان فارسی اشراف لازم را ندارند؛ در نتیجه فرزندان آنها زبان مادری خود را فراموش نمی‌گیرند و از سوی دیگر فرزندان آنها به زبانی صحبت می‌کنند که بر اثر تداخل‌های گوناگون زبان آذری دیگر فارسی نیست، از نظر آوایی کاملاً زیر نفوذ زبان آذری است و از جنبه‌های دیگر هم کم‌وبیش همین مسئله به چشم می‌خورد. بنابراین به والدین آذری‌زبان پیشنهاد می‌کنیم که اجازه دهند فرزندانشان زبان فارسی را از منابع مطمئن‌تر فراگیرند و کودکان خود را از فراگرفتن زبان مادری که حق هر انسان است محروم نکنند و این نعمت چندزبانگی را قدر بدانند.

دست‌اندرکاران شبکه‌های استانی صداوسیما بی‌اطلاع از تداخل زبانی و آثار مخرب آن در نابودی زبان‌های محلی، اقدام به تهیه برنامه و گزارش‌های خبری می‌کنند که اگر کار به همین منوال پیش برود، نابودی زبان‌های محلی، به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی و فکری کشور، در آینده نزدیک قابل‌پیش‌بینی است. در یک برنامه خبری، خبر زیر از تلویزیون شبکه استانی زنجان پخش می‌شود: «سازمان تامین اجتماعی استان زنجان طی اعلامیه‌ای اعلام ایل‌ه‌دی». این سبک زبانی سبکی رایج در شبکه‌های استانی است که در آن کل ساختار زبانی فارسی و فقط فعل آن متفاوت است. خبر بالا نمونه‌ای از برنامه‌های شبکه استانی است که باعث می‌شود مردم به همین منوال و به همین سیاق سخن بگویند و آن را به‌زعم خود زبان آذری بدانند. رواج این گونه زبانی در شبکه‌های آرام‌آرام زبان‌های محلی را به نابودی می‌کشاند. نتایج پژوهش حاضر و پژوهش‌های مشابه به متولیان برنامه‌های شبکه استانی صداوسیما ضمن یادآوری مفهوم تداخل زبانی و زمینه‌های تداخل زبانی کمک می‌کند تا هوشمندانه دست به تهیه برنامه و خبر بزنند و به حفظ و تقویت زبان‌های محلی کمک کنند.

منابع

- امیری مهر، حسن، جمیله اخیانی، محرم اسلامی و امیر مؤمنی (۱۴۰۱). «تداخل زبانی ناخودآگاه پدیده‌ای ناشناخته در شعر خاقانی». پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی. در نوبت چاپ.
- خاقانی، بدیل بن علی (۱۳۹۱). دیوان خاقانی. تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، تهران: زوار.
- سجادی، سیدضیاء‌الدین (۱۳۸۹). فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی شروانی. ۲ جلد، ۳، تهران: زوار.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۹۱). گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی. ج ۷، تهران: نشر مرکز.

- Crystal, D. (2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. 6th Edition, Blackwell Publishing.
- Ellis, R. (1994). *The study of second language acquisition*. Oxford: Oxford University Press.
- Gussenhoven, C., & H. Jacobs (2011). *Understanding Phonology*. Great Britain: Hodder Education.
- Richards, J. C., & R. Schmidt (2002). *Longman Dictionary of Language Teaching and Applied Linguistics*. 3rd Edition, Pearson Education Limited.

